**[برای جنگل زیبای دشت برم](http://www.babooneh.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=1814:2014-03-28-03-25-09&catid=67:2012-04-27-16-21-53&Itemid=288)**

تاریخ ایجاد در 28 مارس 2014 دسته: مقاله های مرتبط با کازرون

سایت بابونه

**1**. مدت ها بود در انتظار فرصتی بودم تا شبی را در دامان پرمهر طبیعت سپری کنم. شب سیزدهم فروردین گذشته فرصتی دست داد تا شب را  در کنار برخی بستگان در جنگل دشت برم به صبح بیاورم. به راستی آن شب تلخ ترین سیزده بدری بود که به یاد دارم؛ از بس که  آن شب و روز ضدطبیعت بود و تعرض های جورواجوری را به جنگل منطقه و منابع خداداد به چشم خود دیدم. در شب سیزدهم در جای جای جنگل آتش های بزرگی برافروخته شده بود. همۀ فضای منطقه دودآلود بود چندان که گویی برای تنفس دود به منطقه رفته بودیم. آیا باور کردنی است در بهار دل انگیز زیبای دشت برم هوایی چنان با صفا و طراوات را با دود آتش های غیرضرور این گونه آلوده کنیم؟ جنگل و حتی هیزم های خشک آن سرمایه اند. ما در دنیایی زندگی می کنیم که گرم تر شدن زمین از معضلات بزرگ جامعه بشری است. **در این گیر و دار باید تلاش کنیم تا یک واحد هم که شده کمتر گرما تولید کنیم و زمین خداوند را از این که هست گرم تر نکنیم. آتش برافروختن با شرایطی ناروا نیست، ولی برای گرم کردن یک خانواده چهار-پنج نفری لازم نیست آتشی بیفروزیم که گرمای آن لشکری را گرم می کند.**

**2**.از صحنه های بهت آوری که صبحگاه روز سیزدهم به چشم دیدم درختانی چند بود که آشکارا در آتش می سوخت علت را که جویا شدم گفته شد چون روز سیزده بدر به اصطلاح اوضاع شلوغ می شود برخی افراد فرصت را غنیمت می شمارند و آن روز را برای به آتش کشیدن درختانی چند در زمینشان برمی گزینند تا زمینشان صاف و یک دست شود و بتوانند به راحتی در آن کشت کنند. آیا آنان که چنین می کنند می دانند که زمین های صاف بدون این جنگل و درختان که زمینه ساز بارش رحمت الهی است ارزش و بهایی ندارد. آیا شاهد نیستیم که سال به سال منابع آب های زیرزمینی ما به دلایلی از جمله کاهش جنگل ها و کمبود بارش فروتر می رود؟ زمین های بی آب و خشک چه ارزشی دارند که برای صاف و یک دست کردن آن ها درختانی چندین ساله را به آتش بکشیم؟ گیریم که جنگل بان حضور نداشته باشد، آیا از گناه بزرگ و پیامدهای زیانبار به آتش کشیدن سرمایه ای که حق عموم است و تعدی به آن نمونه حق الناس است به آسانی می توان گریخت؟

 **3**.در سیزده بدر پارسال با توضیحات یکی از بستگان برای نخستین بار پی بردم که برخی افراد با ترفندی عجیب درختانی تنومند و باارزش را ابتدا با حوصله دو نیم می کنند و آن ها را دچار مرگ تدریجی می کنند. آنان در میانه تنه درختان سنگ قرار می دهند، با گذشت زمان همچنان که درختان بزرگ می شوند سنگ ها خود به خود به درون تنه درخت فرو می روند و در میانه آن قرار می گیرند؛ ارتباط تنه با شاخه های بزرگ و برگ ها قطع و یا تضعیف می شود. درختانی را دیدم که این ترفند بر آن ها اجرا و کارگر شده بود؛ درخت به دو نیم تبدیل شده بود و هر دو نیمه به ضعف گراییده بود، یا در حال خشک شدن بود. این، همچون زجرکش کردن انسانی بی گناه است. **قرآن مجید تباه کردن جنگل و کشتزار را در کنار نابودی نسل انسانی قرار داده و هر دو را نمونه آشکار فساد در زمین دانسته است**. [بقره 2 :205]

 **4**.از دیگر نمونه های تعرض به جنگل جمع آوری نامناسب هیزم برای آتش افروختن بود. بخش قابل توجهی از شاخه های سبز نیز به عنوان هیزم شکسته و از درخت جدا می شد. می توان با رعایت اصول و موازین از شاخه های خشک درختان استفاده کرد اما به ساحت مقدس درختان سبز تعرض نباید کرد.

 **5**.خداوند متعال در قرآن مجید بارها زمین زیبا را به برخورداری از نعمت ها و موهبت های آن توصیف نموده است. این کتاب آسمانی از حیوانات اهلی و وحشی، درخت و گیاه، کوه ها، ابرهای زیبا و روان، رودخانه های جاری، گونه های مختلف درختان میوه دار، دریاهای سرشار از منابع غذایی و اقتصادی، و نیز آسمانی که زیبایی اش به ستارگان چشم نواز آن است سخن می گوید. ما وظیفه داریم این مجموعه را همان گونه که هست، زیبا و متنوع حفظ کنیم. ما باید از زمین بتوانیم ستارگانی را که به تعبیر قرآن مایه زیبایی آسمان اند نظاره کنیم. وقتی آن قدر دود تولید می کنیم که ستارگان را نمی بینیم به آفرینش الهی تعرض نموده ایم و نظام طبیعت را دیگرگون کرده ایم. **به تعبیر پیامبر رحمت (ص): زمین مادر مهربان ماست؛ این مادر مهربان را باید قدر دانست پاس داشت و تا جای امکان مراقبت نمود.**

**6**.آن گونه که از قرآن کریم برمی آید زمین طبیعت و منابع گوناگونش تنها متعلق به انسان های موجود کنونی نیست. زمین از نظر قرآن از آن همه آدمیان است و همه آدمیان تنها انسان های کنونی نیستند. خداوند متعال چنان که آحاد انسان ها را دوست دارد نوع انسان و استمرار بقا و حیات او را هم دوست می دارد. هم از این روی هر آن چه به حیات نوع انسانی زیان برساند از نظر شارع مقدس نکوهیده است. از نقطه نظر مباحث تحلیلیِ حق نیز جامعه بشری بر آن است که سرمایه ها و منابع طبیعی کنونی به نسل های آینده نیز تعلق دارد. درست است که آن ها هنوز وجود ندارند، اما حق و حق داری را برای آیندگانی که به زودی هستنده می شوند نیز می توان تصور کرد. این به معنای آن است که ما به عنوان نسل موجود برای پاسداشت حق آیندگان مسئولیتی به دوش داریم. مسئولیت ما این است که آن چه را که آیندگان نیز در آن حق دارند به دست آنان بسپاریم. حق الناس تنها از دیوار مردم فرا رفتن و اموال آنان را ستاندن نیست؛ **بی توجهی به حقوق نسل های آینده نیز نمونه تعرض به حق الناس است.**

**7.**مسئولیت دولت ها در سطح ملی و فراملی در زمینه حفظ زیست گاه انسانی البته بسی سنگین است؛ اما ابعاد پاسداری از طبیعت چندان وسیع و پیچیده است که جز با همیاری همه ابنای بشر شدنی نیست. نباید با شکستن این بار بزرگ به دوش دولت ها از زیر بار مسئولیتی که هر یک بر دوش داریم شانه خالی کنیم. **حفظ محیط زیست جز با توسعه فرهنگ آن و همگانی کردن دغدغه پاسداری از طبیعت، شدنی نیست. برای توسعه فرهنگ حفظ محیط زیست بویژه سازمان های مردم نهاد و جامعه های محلی مسئول اند.**

**8**.تلاش برای حفظ محیط زیست عرصه آشکار این شعار است که باید جهانی فکر کرد ولی محلی عمل کرد. حفظ کلیت سیاره زیبای زمین تنها از این راه عملی می شود که هر کدام در زیست گاه خود برای پاسداری منابع طبیعی بکوشیم. **اکنون که پریشان را به دلیل برخی سهل انگاری ها از دست داده ایم دست کم جنگل زیبای دشت برم را عزیز بشماریم و حفظ کنیم. بگذاریم آیندگان هم آن را ببینند، نه این که تنها دربارۀ آن بخوانند.**

**رحیم نوبهار**

**عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی**

**8 فروردین 1393**

http://www.babooneh.ir/index.php?option=com\_content&view=article&id=1814:2014-03-28-03-25-09&catid=67&Itemid=288